



۲۰۱۷/۰۲/۰۱

جلیل غنی هروی

شرکت سهامی دولت خدا داد افغانستان

هر حکومت اگر بر بنیاد آرای مردم و یا تأیید اکثریت مردم آن کشور تشکیل گردد در پیش برد و خدمت به ملت و دفاع از ارزش ها و منافع ملی و عرضه خدمات به ملت موفق بوده و یقیناً ملت هم پشتیبان چنین حکومتی است. تشکیل حکومت وحدت ملی افغانستان، که همان خشت نخستین آن مغایر ارزش های قانونی و احکام صریح قانون اساسی افغانستان گذاشته شد، تا همین اکنون نتوانسته ماهیت ملی به خود کسب نماید. تشکیل این حکومت از همان آغاز، ماهیت یک شرکت سهامی را به خود گرفت. استدلال می شود که با در نظر داشت نتیجه انتخابات متقابلانه ریاست جمهوری، که در آن تقلب به اوج آن رسید و هر دو تیم انتخاباتی درین تقلبات دست داشتند، شاید بهترین راه برای بیرون رفت از یک بحران وسیعتری بود که می توانست تمامیت ارضی و نظام سیاسی افغانستان را زیر سوال ببرد. ولی بیانیید اندکی به عقب بر گردیم و به بینیم که نتیجه این انتخابات با تمام کمی ها و کاستی های آن و تقلباتی که در آن صورت گرفت، چه بود و ارقامی که بعد از انتخابات از طرف کمیسیون گویا مستقل انتخابات اعلام شد چه بود؟ کمیسیون مستقل انتخابات در بیستم سپتمبر ۲۰۱۴ نتیجه انتخابات را چنین اعلام نمود:

آقای اشرف غنی احمدزی ۳۹۳۵۵۶۷ رای یا ۵۵/۲۷ فیصد و آقای عبدالله عبدالله ۳۱۸۵۰۱۸ یا ۴۴/۲۳ فیصد آرا را بدست آورده اند. بدین ترتیب تعداد آرای که کمیسیون انتخابات باطل نموده ۸۲۶۹۴۲ رای میشود که با در نظر داشت این محاسبه باز هم مجموع آرای دور دوم انتخابات ۷۱۲۰۵۸۵ رای میشود که به هیچ صورتی نمی تواند آرای سالم و پاک باشد. این محاسبه نشان میدهد که مجموع آرای تقلبی که باطل گردیده ۸۲۶۹۴۲ رای است که از آن جمله ۵۵۰۳۲۱ رای تقلبی مربوط به آقای اشرف غنی احمدزی و ۲۷۶۶۲ رای تقلبی متعلق به آقای عبدالله عبدالله بوده است. بدین ترتیب تقلب مختص به یک جناح نه بلکه متعلق به هر دو جناح بوده است.

بر طبق قانون اساسی افغانستان و همه قوانین جهانی باید داکتر اشرف غنی احمدزی رئیس جمهور افغانستان میشد که شد ولی چون جناح داکتر عبدالله عبدالله یعنی همان جهادی ها و تنظیمی های که خود را وارث بلا منازعه قدرت دائمی سیاسی و رهبری این کشور بلا کشیده تصور می کنند که مسبب اکثریت ویرانی ها و بربادی ها هم همین گروه ها هستند، و با تهدید ها و حتی اخطار های اشغال دفاتر دولتی در کابل با نارنجی پوشان، بزرگترین حامی مهندس دولت داری افغانستان یعنی ایالات متحده آمریکا را بر آن داشت تا جان کری وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا عازم کابل شود و عهده جدیدی خلاف مواد صریح قانون اساسی افغانستان برای این جناح نیز ابداع نماید و نام آنرا بگذارد «ریاست اجرائیه» و آقای داکتر عبدالله عبدالله را در رأس آن قرار دهد و نام حکومت را هم بگذارد

«حکومت وحدت ملی» ولی این حکومت بجای این که حکومت وحدت ملی باشد بیشتر شکل «حکومت نفاق ملی» را گرفت و چنان تعصبات قومی، نژادی، مذهبی، سمتی و زبانی و قبیله‌ای دامن زده شد که سالهای سال دیگر، در صورت تشکیل یک حکومت ملی و مردمی، ضرورت خواهد بود تا به چنین مناقشات و اختلافات خاتمه بدهد و برادری و گذشت و هم نوائی و همبستگی و اتحاد و همدلی گذشته را احیای نماید.

این حکومت وحدت ملی از همان آغاز با وصف آنکه در جریان مبارزات انتخاباتی قبل از انتخابات ریاست جمهوری از طرف داکتر اشرف غنی شعار داده می شد که حکومت افغانستان شرکت سهامی نیست، شکل شرکت سهامی را گرفت و تا همین اکنون هر یک از شرکای این حکومت یعنی جناح داکتر عبدالله و جناح داکتر اشرف غنی روی سهمیه بندی و تعیینات و سایر تصامیم و تخصیصیه ها مناقشه دارند و به همین دلیل این حکومت مصدر خدمتی که سزاوار این ملت با شهامت و جان فدا باشد، نشده است.

این چانه زنی ها و بروز واقعیت ها هر روز آشکار تر و آفتابی تر می شود چنانچه آقای عطا محمد نور رئیس اجرائیه جمعیت اسلامی شریک حکومت وحدت ملی در صبحتی روز دوشنبه سی ام جنوری با رسانه ها اظهار داشت:

«این حزب خواهان پانزده ولایت، سی سفارت خانه و پانزده سناتور انتصابی از حکومت شده است و رییس جمهور این خواست هایش را پذیرفته است».

عطاء محمد نور، رئیس اجرائیه جمعیت اسلامی گفت:

«در کنار تطبیق توافق نامه حکومت وحدت ملی، تدویر لویه جرگه، (خواست های ما) موارد زیاد دیگری است تا ما در تصمیم گیری های ملی و بین المللی شریک باشیم. در تعیینات قوای مسلح افغانستان یک کمیسیون ایجاد شود، چهار پنج نفر عضو داشته باشد، دو نفر از ما در اوعضو باشد، سی سفارت به ما، سی معینیت به ما، تعدادی از اداره های مستقل، به شمول ارگان های محلی به ما، ده الی پانزده ولایت به ما، نصف قنسلگری های دنیا به ما داده شود.»

به بینید که این حکومت و دولت در مجموع به یک شرکت سهامی مبدل شده است یا نه؟

از آقای نور، با این ادعای بلند پروازانه، باید پرسید که آیا حق مردم افغانستان و آنانی که غیر جمعیتی هستند چیست؟

و آیا جمعیت اسلامی یگانه شریک این شرکت سهامی است و یا سایر جناح ها و احزاب و یا نهاد سیاسی هم در آن سهمی دارند؟ درست است که جمعیت اسلامی یکی از تنظیم های نسبتاً بزرگ در افغانستان است ولی تعداد پیروان این تنظیم به چند ملیون از جمله تقریباً سی ملیون نفوس افغانستان می رسد که مناصف تمام کرسی های دولتی و نمایندگی های سیاسی شامل سفارت ها و قونسلگریها و کمیسیونهای نظامی و ریاست های مستقل و معینیت ها و سایر مقام های عالیرتبه به شما تعلق داشته باشد؟ از شش ملیون رای که در انتخابات ریاست جمهوری داده شد جناح داکتر عبدالله مرکب از چندین گروه و تنظیم و سازمانهای سیاسی دیگر و اشخاص انفرادی ۴۴ در صد آرا را بدست آورد نه پنجاه در صد که شما مناصف تمام امتیازات را ادعا دارید این فیصدی متعلق به غیر جمعیتی ها، تنظیمی ها و سایر گروه ها و سازمانهای شریک تیم داکتر عبدالله نیز میشود نه تنها از جمعیت اسلامی؟ سهمیه سایر شرکای این شرکت سهامی کجاست؟

اینجاست که ماهیت اصلی این حکومت وحدت ملی!! یا بهتر بگوئیم «شرکت سهامی دولت خدا داد افغانستان» آشکار و روشن می شود. آیا با چنین تفکر و موقف های از هر دو جانب و با چنین تعهداتی که به هر تنظیم و سازمان سیاسی و گروه های دیگر شامل حکومت میباشد، نه به منافع ملی و خدمت به مردم این کشور، می توان انتظار خدمت گذاری و دفاع از منافع ملی و ارزشهای والای قانون اساسی داشت که در روز آغاز به کار، هر یک از این رهبران و اعضای حکومت در حالی که یک دست شان بر روی قرآن عظیم الشان قرار داشت برای حراست از منافع ملی و تطبیق قانون اساسی سوگند خوردند؟

هدف این نوشته نه دفاع از اشرف غنی احمدزی است و نه مزمت از داکتر عبدالله عبدالله بلکه اظهار حقایق مختصری است از چگونگی جریان تشکیل حکومت وحدت ملی و تقاضا های بیجای شرکای این حکومت که بدون تعهد به جریانات سیاسی متعلق به خود شان نه به فکر ملت فداکاری هستند که ملیونها شهید و معیوب داد تا بتواند حکومتی خدمتگار به وطن و وطندار تشکیل دهد و نه هم به فکر و طرح برنامه های برای پیشرفت و ترقی کشور ویران. این نسخه و تدبیر نه تنها کار گر نیفتاد و از یک بحران جلوگیری نکرد بلکه گره دیگری بر گره های افزود که باز کردن این گره ها و یافتن راه حلی به این بحران چندین بُعدی ایجاب فدا کاری و تعهد به ارزشهای والای ملی مندرج قانون اساسی افغانستان و منافع ملی و تمامیت ارضی از جانب رهبری میباشد که واقعاً ملی باشد و از حمایت و پشتیبانی و همکاری صادقانه ملت هم بر خوردار.

پایان

